

ماهنامه

خجسته باد پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تکیه گاه نیرومند مبارزه ملل علیه امپریالیسم و ارتجاع، علیه ستم و استثمار سرمایه داری!

## اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در باره استقرار مناسبات عادی بین ایران و جمهوری دموکراتیک آلمان

مناسبات با جمهوری دموکراتیک آلمان، یکی از مهمترین، پیشرفته ترین و متمکن ترین دولتهای صنعتی جهان، برای رشد و توسعه اقتصادی و تحکیم استقلال سیاسی کشور ما بوجود میآورد، نموده است، بخود حق میدهد که با خرسندی تمام امضاء اعلامیه مشترک را بمثابه اثبات عملی و عینی صحت شعارهای سیاسی خود و بمنزله یکی از پیروزیهای مهم خط مشی و سیاست حزب توده ایران در جهت تحقق خواستهای مردم مهن ما تلقی نماید. یک بررسی اجمالی اظهارات چند سال اخیر زمامداران کنونی ایران و روش عنودانه ای که اینان به دنباله روی از سیاست شوینستی و تلافی جوانه امپریالیسم آلمان غربی، در کادر پیروی از سیاست تجاوز کارانه و تاتیک جنگ سرد امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی، در برابر مسئله شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان در پیش گرفته بودند، میزان عقب نشینی دولت ایران را در این مورد آشکارا نشان میدهد.

در واقع آنچه امروز دولت ایران را، علی رغم تمام سر سختی و مقاومتی که در این مورد بخرج داده، و ادا بدولت از آن روش مخالف مصالح واقعی مردم نموده است جز تحولات عمده ای که در مقیاس جهانی بویژه طی سالهای اخیر در جهت پیشرفت دنباله در صفحه ۴

خود را دائر با استقرار مناسبات دیپلماتیک عادی بین دولتهای اعلام داشته و توافق نموده اند که همکاری میان خود را در زمینه های مختلف بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز و اصول مشور ملل متحد توسعه دهند و در آینده نزدیک هیئت های نمایندگی سیاسی در سطح سفارت مبادله نمایند.

صدور اعلامیه مشترک دائر با استقرار مناسبات بین دو دولت ایران و جمهوری دموکراتیک آلمان واقعه ایست که مسلماً از جانب همه مردم مهن پرست و ترقیخواه کشور ما با نهایت خرسندی استقبال میشود. امضاء اعلامیه مشترک دائر با استقرار مناسبات عادی بین دو دولت در عین اینکه نشانه دیگری از پیشرفت پیروزمندانه سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز عصر ما در قبال سیاست امپریالیستی جنگ و تجاوز در مقیاس بین المللی است، خود بمنزله عقب نشینی رژیم ایران در برابر خواستهای دموکراتیک، صلح جویانه و ترقیخواهانه مردم ایران بشمار میروند.

حزب توده ایران که بنا به وظیفه مهنی خود از ابتداء پیدایش جمهوری دموکراتیک آلمان مستمر آموخته و کدآخواستار استقرار وسط روابط با این دولت سوسیالیستی بوده و همواره با کلیه وسائل تبلیغی خود افکار عمومی مردم ایران را متوجه امکانات بی نظیری که استقرار

بموجب اعلامیه مشترک می که در ۱۶ آذرماه ۱۳۵۱ مطابق با ۷ دسامبر ۱۹۷۲ در تهران و برلن منتشر گردید، دولت ایران و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان تصمیم

## پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت پنجاهمین سالروز تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی! رفقای عزیز!  
در این روز خجسته که زحمتکشان شوروی با اتفاق تمام جامعه ترقیخواه بشری جشن تاریخی با عظمت پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را بر گزار میکنند کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس نهایت خرسندی شاد باش و آرزوهای برادرانه و صمیمانه خود را بشما و توسط شما به تمام کمونیستهای شوروی و تمام خلق قهرمان شوروی تقدیم میدارد.

تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که با نام و فعالیت لندن بزرگ پیوند مستقیم دارد و پس از انقلاب اکبر بزرگترین رویداد تاریخی بیبی جامعه بشری است نه تنها برای خلقهای زاد گاه سوسیالیسم بلکه برای تمام خلقهای جهان، عصر نوین دوستی و برادری ملل آزاد را آغاز نهاد. این رویداد دارای اهمیت جهانی-تاریخی یکی از عوامل قاطعی بود که برای نو سازی جامعه شوروی و بدینسان برای تحکیم مواضع بین المللی پروتاریای جهانی، برای دگرگونی بنیادی و بر انداختن استثمار انسان از انسان در جهان، برای پیروزی ملل مبارز راه آزادی، استقلال ملی و سوسیالیسم و تأمین پیشرفت اجتماعی آنان مساعدترین شرایط را فراهم ساخت.

ایجاد کانون برادری اقوام و ملل گوناگون در چارچوب اتحاد شوروی نمایانگر پیروزی واقعی اندیشه های اکبر بزرگ و اصول انترناسیونالیسم پرولتاری بود که درخشانترین طریقه حل لنینی مسئله ملی را به خلقهای جهان و بویژه کشورهای کثیر الملله عرضه داشت.

تجربه اتحاد شوروی در زمینه حل مسئله ملی و پیشرفتهای سریع ملل متنوعه شوروی در کلیه شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی که در پرتو آن

اتحاد شوروی به یکی از نیرومندترین کشورهای جهان بدل شده و در سنگر مقدم انقلاب علمی و فنی قرار گرفته و اکنون با تحقق قراردادهای تاریخی گذشته ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی با گامهای استوار در شاهره ساختمان کمونیسم پیش میروند، مایه الهام زحمتکشان جهان است.

اتحاد شوروی در پرتو سیاست خارجی صلح دوستانه و قدرت روز افزون اقتصادی و دفاعی خویش و پشتیبانی عظیم مادی و معنوی از جنبشهای آزادیبخش ملی همواره مطمئنترین تکیه گاه مبارزه ملل علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، علیه ستم و استثمار سرمایه داری و در راه آزادی، استقلال ملی، صلح و سوسیالیسم بوده است.

مارکسیست - لنینیست ها برای تجربه سرشار اتحاد شوروی در کلیه شئون زندگی اجتماعی و از جمله در زمینه حل مسئله ملی که ترکیب جامعی از منافع ملی و انترناسیونالیستی خلقهاست اهمیت عظیم فائلد و بررسی قانونمندی های عام ایجاد جامعه کثیر الملله شوروی و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم در اتحاد شوروی را یکی از وظایف خود می شمارند.

ایران در زمره نخستین کشورهای بود که کشور شوروا در همان نخستین سالهای موجودیت خود تحت رهبری مستقیم لنین بزرگ با الغاء قرار دادهای اسارتباری که حکومت تزاری با ایران تحمیل کرده بود بیاری جنبش آزادیبخش ضد استعماری آن شتافت و مهن ما را از خطر تبدیل کامل به مستعمره امپریالیستی رهایی بخشید و بدینسان دوستی بی شائبه خود را با مردم ایران و پشتیبانی اثر بخش خود را از آزادی و استقلال ایران عملاً به ثبوت رسانید. کمک های سخاوتمندانه اقتصادی، فنی و فرهنگی که اکنون اتحاد شوروی به کشور ما مبذول

## یادی از جنبش ۲۱ آذر

حاکمه از اجراء بموقع انتخابات پانزدهمین دوره تقنینیه سر باز زد.

در این ایام فرقه دموکرات آذربایجان که در آذربایجان فعالیت خود را از ۱۲ شهریور آنسال آغاز کرده بود خواستار شد که انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی بید رنگ آغاز شود. سازمان فرقه بسرعت در آذر-بایجان بسط یافت و قشرهای وسیع مردم شهر و ده را فرا گرفت.

جنبش دموکراتیک آذربایجان در اوائل خواستی جز تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی نداشت ولی وقتی دولت مرکزی نسبت به تمام خواستهای نهضت بی اعتنا ماند، کنگره خلق آذربایجان (۲۹ - ۳۰ آبان ۱۳۲۴) در تبریز خود را مجلس مؤسسان اعلام داشت و تصمیم گرفت مجلس ملی آذربایجان را تأسیس نماید. انتخابات دموکراتیک انجام گرفت و مجلس ملی در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ افتتاح یافت. حکومت ملی آذربایجان بر پایه تشکیلاتی و پشتیبانی قشرهای دموکراتیک خلق پدید شد و در دستگاه ارتجاعی دولتی دنباله در صفحه ۴

پیروزی تاریخی مردم شوروی در جنگ دوم جهانی علیه فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن تناسب نیزوها را بسود نیروهای هوادار استقلال ملی و دموکراسی و سوسیالیسم تغییر داد. جنبش کمونیستی و کارگری گسترش و اوجی بیسابقه یافت. خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته برای نیل به استقلال ملی دست بمبارزات وسیع زدند. نیروهای مترقی ایران نیز با استفاده از این شرایط مساعد و برای جلوگیری از احیاء دیکتاتوری و برای استوار کردن دموکراسی در کشور بمبارزه برخاستند.

در اواسط سال ۱۳۲۴ ارتجاع علیه نهضت کارگری و دموکراتیک دست به هجوم زد و حملات غدارانه خود را متوجه حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی نمود و باشگاههای حزب و شورا در تهران و مازندران و اصفهان مورد تعرض و تاراج قرار گرفت. عده کثیری از فعالین حزب توقیف شدند و تصفیه ارتجاعی ارتش آغاز گردید و عده ای از افسران مترقی بازداشت شدند و مطبوعات مترقی توقیف گردیدند. طبقه

# وضع وخیم کشاورزی وراه خروج از بن بست

اعترافات صریح مقامات مسئول  
در باره وضع وخیم کشاورزی

کشاورزی کشور دچار وخامت و آشفته‌گی است. برنامه چهارم که فقط یکسال به پایان آن باقی مانده در زمینه کشاورزی نه تنها بهیچیک از هدفهای خود نائل نیامده، بلکه رشد کشاورزی در سالهای اجرای برنامه بطرز شگفت‌انگیزی از رشد پیش بینی شده در برنامه چهارم (سالانه ۶ درصد) عقب مانده است. در سال ۱۳۴۸ رشد کشاورزی فقط ۱٫۷ درصد بود که حتی جبران افزایش جمعیت را که ۲٫۷ درصد بود نکرد (تهران اکونومیست، ۱۰ مرداد ۱۳۴۹). سال ۱۳۴۹ رشد کشاورزی ۳ درصد بود و بقول مجله تهران اکونومیست تولید محصولات کشاورزی فرسنگها از تقاضا عقب ماند (تهران اکونومیست، ۲۰ شهریور ۱۳۵۰). در سال ۱۳۵۰ کشاورزی نه تنها رشدی نداشت، بلکه به اعتراف وزیر کشاورزی به منهای چهار درصد رسید (کیهان - ۳۱ مرداد ۱۳۵۱).

روزنامه ارگان حزب ایران نوین در این مورد مینویسد: «... متأسفانه رشد کشاورزی نه تنها بمیزان پیش بینی شده نرسیده، بلکه در مواردی نیز کمتر بوده است. (ندای ایران نوین، ۱۸ مهر ۱۳۵۱). گزارش سالانه صندوق توسعه کشاورزی حاکیست که: «تولید محصولات کشاورزی در سال ۱۳۵۰ با هدفهای برنامه عمرانی چهارم کشور فاصله زیادی داشت. تولید گندم نسبت بسال ۱۳۴۹ ۱۳ درصد، تولید جو ۱۷ درصد، تولید برنج ۷٫۵ درصد، تولید پنبه ۳٫۷ درصد، تولید چای ۱۸٫۴ درصد، دانه های روغنی ۲۱٫۴ درصد کاهش نشان میدهد. (تهران اکونومیست - ۸ مهر ۱۳۵۱). اگر در سال ۱۳۴۹ فقط تولید ۳ محصول بیش از تقاضا بود و بقیه از تقاضا عقب مانده بود، در سال ۱۳۵۰ تنها تولید چندین قند افزایش نشان میدهد. تأسف آور است که تولید برخی از این محصولات علیرغم افزایش جمعیت نسبت به چهار سال قبل یعنی سال آغاز برنامه چهارم، حتی بطور مطلق هم کاهش داشته

است. مثلاً تولید گندم و جو که قسمت اعظم اراضی به کشت این دو محصول اختصاص دارد و خوراک اصلی اکثریت مردم را تشکیل میدهد، نسبت بسال ۱۳۴۶ تقلیل یافته است. در سال ۱۳۴۶ میزان تولید گندم ۳۸۰۰ میلیون تن بود، در سال ۱۳۵۰ به ۳۷۰۰ میلیون تن تنزل یافته، تولید جو که در سال ۱۳۴۶ مقدار ۱۰۳۵ میلیون تن بود، در سال ۱۳۵۰ به ۹۰۰ میلیون تن کاهش یافته است. تولید چای و توتون و تنباکو نیز در مقایسه با سال ۱۳۴۶ کمتر است (گزارش سالانه صندوق توسعه کشتا - ورزی ایران - تهران اکونومیست - ۸ مهر

کشاورزی ایران باوضع جوی نتیجه عدم توجه دولت به کشاورزی، نقص سیستم آبیاری وعدم استفاده کامل از آبهای موجود کشور است. اینکه در گزارش سالانه صندوق توسعه کشاورزی تصریح شده که: «حتی در سال های خوب هم کمبود تولیدات کشاورزی زیاد خواهد بود.» دلیل روشنی بر رد «عوامل جوی» بمثابة «علت العلل» وضع وخیم کشاورزی است. از جمله علل دیگری که در اینباره اقامه میشود، مسئله افزایش جمعیت و بالا رفتن میزان مصرف است. این دو دلیل نیز مردود است. زیرا حد اقل وظیفه کشاورزی تأمین مواد غذایی مردم با توجه به نرخ افزایش جمعیت و افزایش مصرف است. این وظیفه حد اقل را کشاورزی کشور حتی در دورانی که مناسبات ارباب - رعیتی نظام مسلط بر روستا بود انجام میداد و رشد جمعیت و افزایش مصرف نه تنها موجب نقصان تولیدات کشاورزی نبود بلکه صادرات مواد کشاورزی رقم عمده درآمد ارزی کشور را تشکیل میداد. روشن است که افزایش سریع جمعیت در شرایط معین میتواند مشکلاتی بوجود آورد ولی نباید به آن پربها داد. زیرا هر فرد زحمتکش علاوه بر مصرف کننده در عین حال تولید کننده هم هست و اگر با وسائل تولید مجهز شود چندین برابر مواد مصرفی خود را میتواند تولید کند. بنا بر این علل وخامت اوضاع کشاورزی را باید در جاهای دیگری جستجو نمود.

عللی که کشاورزی را به بن بست

کنونی کشانده

در سالهای آغاز اصلاحات ارضی سیاست اعتباراتی دولت بطور عمده متوجه بسط شرکتهای تعاونی روستائی، کمک باین شرکتهای و در نتیجه تقویت نسبی بنیه مادی دهقانانی بود که در نتیجه اصلاحات ارضی صاحب زمین شده بودند. با اینکه این کمکها بهیچوجه کافی نبود و تکافوی نیازمندیهای فراوان دهقانان را نمیکرد ولی سیاست اعتباراتی دولت مجموعاً در مسیر صحیح تری قرار داشت. اما ناگهان این سیاست عوض شد و دولت سیاست حمایت از واحدهای بزرگ سرمایه داری را در پیش گرفت. از آن پس شرکتهای کشاورزی و دامپروری خصوصی زیر چتر حمایت دولت قرار گرفتند، اراضی مرغوب زیر سدها بانحصارات امپریالیستی واگذار شد، بدست دولت شرکتهای سهامی زراعی یا شرکت مالکان چند صد هکتاری بوجود آمد و برای کمک به این سرمایه داران بزرگ، صندوق توسعه کشاورزی تأسیس شد. این صندوق با استفاده از اعتبارات سازمان برنامه و وامهای چندصد میلیون دلاری بانک جهانی تسهیلات فراوان برای «داوطلبان» کار کشاورزی بوجود آورد.

برای تشویق بیشتر سرمایه داران کلان، قدم بقدیم در شرایط استفاده از وامهای صندوق تعدیل بعمل آمد. مثلاً شرط واگذاری وام که ابتدا وثیقه بود حذف شد و فقط ارائه قبوض اصلاحات ارضی کافی است تا وامهای کلان چندین میلیون تومانی به جیب سرمایه داران سرازیر شود. اما دولت که در مورد

۱۳۵۱). نتیجه آنست که در تمام سالهای برنامه چهارم میلیونها ارز کشور بمصرف واردات محصولات کشاورزی بویژه مواد غذایی رسیده است. در سال ۱۳۴۹ مبلغ ۳ میلیارد ریال خالص ارزش واردات مواد غذایی بوده در حالیکه در سال ۱۳۵۰ این رقم به ۷٫۹ میلیارد ریال رسیده است (تهران اکونومیست - ۱ مهر ۱۳۵۱). بهمین جهت است که مجله تهران اکونومیست مینویسد: «... کشاورزی کشور که تا چند سال پیش کلیه احتیاجات ارزی خود را از طریق صدور محصولات کشاورزی بدست میآورد اکنون یکی از وارد کنندگان مهم محصولات کشاورزی در این منطقه شده است.» (تهران اکونومیست - ۸ مهر ۱۳۵۱). واردات تولیدات کشاورزی بعکس دعای مقامات دولتی مانع از ترقی قیمت ها نشد و شاخص قیمتهای این بخش ۱۴٫۷ درصد افزایش یافت (گزارش سالانه صندوق کشاورزی - تهران اکونومیست ۱۳۵۱).

علیرغم سر و صدا های گوشخراش مسئولان رژیم درباره «انقلاب ارضی» تولید در واحد هکتار فوق العاده رقت انگیز است. آقای روحانی وزیر کشاورزی در سخنرانی خود در چهارمین کنگره پزشکی ایران اعتراف میکند که: «متوسط واقعی برداشت در هکتار در ایران بر مراتب پایین تر از حد نهائی است.» (تهران اکونومیست - ۱۸ شهریور ۱۳۵۱). در سال ۱۳۵۰ تولید متوسط گندم در هکتار ۷۲۹ کیلو بوده است (کیهان - ۲۱ اوت ۱۹۷۲). وخامت وضع کشاورزی و نبودن علوفه، دامپروری را نیز بوخامت کشاند. بسیاری از دامها تلف شدند و برخی از دامداران دامهای زنده را از کشور خارج کردند. در نتیجه گوشت کافی به بازار عرضه نشد، قیمت آن بالا رفت و علیرغم واردات گوشت، مردم در مضیقه بودند. روزنامه بورس مینویسد: «در سالهای اخیر نه تنها مقادیر قابل ملاحظه‌ای از مواد دامی صادر نشده، بلکه ایران بصورت یک کشور وارد کننده مواد دامی در آمده است.» (بورس - ۱۰ آبان ۱۳۵۰).

دلایلی که مقامات دولتی برای توجیه

وخامت وضع کشاورزی بیان میکنند

یکی از عللی که در چند سال اخیر کراراً به آن استناد شده اوضاع نامساعد جوی است. مجله اطباق بازرگانی و صنایع و معادن مینویسد: «کشاورزی ایران در چند سال اخیر در بدترین وضع خود که آنهم ناشی از بی مهری و فخر طبیعت بود قرار گرفت.» (شماره اول - سال سوم - فروردین ۱۳۵۱). تردید نیست که بین تولیدات کشتا، ورزی و عوامل جوی ارتباط وجود دارد، ولی بستگی شدیدی و بیش از حد متعارف

سرمایه داران بزرگ حاضر بهمه نوع بدل و بخشش است و با یک گردش قلم شرط وثیقه را در مورد آنها حذف میکند در مورد دهقانان فوق العاده سختگیر است. مدیرعامل بانک کشاورزی، در سال ۱۳۴۸ که دهقانان زابل از کمی وام و اعتبار شکایت داشتند با عدد ورقم اثبات نمود که پول و اعتبار در زابل وجود دارد اما وام گیرنده ای که تضمین داشته باشد وجود ندارد. (اطلاعات - ۲۵ دی ۱۳۴۸) بزبان ساده پول داریم اما بشما دهقانان ورشکست که تضمین ندارید نمیدهیم. با وجود همه تسهیلاتی که دولت برای سرمایه داران بوجود آورد، آنطور که مورد نظر دولت بود از سرمایه گذاری در کشتا - ورزی استقبال نشد، علت آنهم روشن است. در شرایط کنونی که یک معامله زمین میتواند یک شبه صدها هزار تومان سود باد آورد داشته باشد سرمایه گذار طماع راغب به سرمایه گذاری در کشاورزی که سود آن با تأخیر بدست میآید نیست. ضمناً دولت خود نیز اعتبارات مصوبه برنامه چهارم را بمصرف نمانده و بخش اعظم آنرا عاطل گذارد. اسبترات تصویب شده برنامه چهارم برای کشاورزی و دامپروری که سالانه ۱۳ میلیارد ریال است در سه سال اول برنامه بطور متوسط سالانه ۸٫۵ میلیارد ریال آن بمصرف رسیده و بقیه را کد مانده، آنهم در سالهایی که سیل، خشکسالی، آفت و برداختهای عدیده از قبیل قسط زمین، مال الاجاره، آب بها، و حق عضویت شرکتهای تعاونی روستائی احتیاج دهقانان را بمیزان فوق العاده ای افزایش داده است. تازه از میزان غیر کافی اعتبارات نیز لقمه‌های چرب نصیب سرمایه داران بزرگ داخلی و خارجی شده است. مثلاً در سال ۱۳۴۹ که یکی از بدترین سالهای کشاورزی بود و دهها هزار دهقان خانه خراب شدند، صندوق توسعه کشاورزی مبلغ ۶۰ میلیون ریال به واحد کشت و صنعت ایران کلینفرینا پرداخت نمود که ۷۰ درصد سهام آن متعلق به بانک آمریکا و شرکتهای امریکائی است. در سال ۱۳۴۹ وامهای صندوق توسعه کشاورزی که به سرمایه داران کلان پرداخت شده ۷۹ درصد افزایش داشته، در حالیکه مجموع وامهای پرداختی شرکتهای تعاونی روستائی و بانک تعاون کشاورزی بدهقانان ۱۳ درصد نسبت بسال ۱۳۴۸ کاهش یافته است (مجله بانک مرکزی - گزارش سالانه و ترازنامه سال ۱۳۴۹). در همین سال متوسط وامهای صندوق ۲۱٫۴ میلیون ریال بود، در حالیکه متوسط وامهای شرکتهای تعاونی روستائی فقط ۷۰۰۰ ریال بوده است. دولت بجای توجه همه جانبه به شرکتهای تعاونی روستائی و به افزایش نیروی مادی آنان کوشید تا واحدهای کشت و صنعت و شرکت های سهامی زراعی را تقویت کند. نتیجه آنست که اولاً تعداد زیادی از شرکتهای تعاونی روستائی فقط بر روی کاغذ وجود داشته باشند و موجودیت آنها را تنها یک تابلو اثبات کند و ثانیاً این شرکتهای فقط ۲۸۰۰۰۰ ده از مجموع ۶۶۰۰۰ ده ایران را بیوشانند.

علاوه بر این شرکتهای تعاونی روستائی، این واحدهای بیجان، نه تنها تمام دهقانان را دربر نمیگیرند بلکه حتی دهقانی را هم که در نتیجه اصلاحات ارضی زمین خریده اند نتوانسته اند در خود متشکل کنند. از ۲۴ میلیون دهقانی که بنا ببا اعدای دولت زمین خریده اند، طبق آمارهای دولتی فقط ۱۷ میلیون نفر عضو شرکتهای تعاونی هستند و بقیه بامان خدا رها شده اند و معلوم نیست برای اداره زمین خود از کجا باید وام و کمک بگیرند. تازه تمام اعضا شرکتهای تعاونی هم امکان دریافت وام نداشته اند. زیرا مثلاً در سال ۱۳۴۹ فقط ۶۵ درصد از اعضا شرکتهای تعاونی از وام استفاده کردند. بدینجهت است که بازار فعالیت رباخواران و سلف خران داغ است. مجله بانک مرکزی می نویسد: «هنوز قسمتی از اعتبارات کشاورزی وسیله وام دهندگان محلی که نیازمندیهای کشاورزان را با شرایط دشوار مرتفع میسازند تأمین میشود.» (گزارش سالانه و ترازنامه سال ۱۳۴۹). و مجلس خضران اکنونومست بنهان نمیکند که: «با وجود افزایش کمی و کیفی شرکتهای تعاونی هنوز خیلی زود است که کشاورزان از شر واسطه های فراوان و مفتخور خلاص شوند.» (تهران اکنونومست - ۸ مهر ۱۳۵۱).

این واقعیت تلخ تنها نتیجه عدم توجه دولت به شرکتهای تعاونی روستائی و عدم تناسب کمک های دولت با نیازمندیهای فراوان دهقانانست. اما این تنها رباخواران و سلف خران نیستند که ثمر رنج دهقانان را غارت میکنند. در سالهای پس از اصلاحات ارضی، دولت خود یکی از غارتگران حاصل کار دهقانان بوده است و در حالیکه میلیون میلیون بجز زمین داران و سرمایه داران بزرگ پول سرازیر کرده، در مورد دریافتی متعدد خود از دهقانان جلادی نموده است. دولت تا اول آذر ماه ۱۳۵۰ بنا به آمارهای رسمی مبلغ ۱۲۵۰ میلیون ریال فقط از دهقانی که در مرحله اول زمین خریده اند بابت قسط زمین دریافت کرده است، آنهم در سالهایی که سیل، خشکسالی، آفات گوناگون زیانهای بشمار بددهقانان وارد آورده است. این روش را دولت عیناً در مورد دریافت وامهای خود از دهقانان داشته است، برنامه دهقان رادیو تهران مرتباً بگوش دهقانان میخواند که اگر حتی یکی از دهقانان بدهی خود را بشرکت تعاونی نیردازد تمام دهقانان آن ده از دریافت وام مجدد محروم خواهند شد. آقای ولیان وزیر اصلاحات ارضی در مجمع عمومی شرکتهای تعاونی روستائی اعتراف نمود که: «در سال ۱۳۴۸ علیرغم آنکه عده ای از کشاورزان قادر به تسویه بدهی خود به شرکتهای تعاونی نبوده اند با این وجود ۶۲ تا ۸۸ درصد از کل وامهای سررسیده وصول شده است.» دکتر ولیان این جلادی را «اجرای سیاست کلی عادت دادن کشاورزان بلزوم خوش حسابی با شرکتهای تعاونی خودشان» نام نهاده است. (تهران اکنونومست - ۶ تیر ۱۳۴۹).

کمبود اعتبارات، خشکسالی، سیل، آفات و فشار پرداختیهای متعدد چنان در سالهای اخیر رمق دهقانان را کسب شده است که علیرغم

سانسور شدیدی که در مورد انتشار اخبار مربوط به زندگی دشوار طبقات زحمتکش وجود دارد آش بصدی شور است که خان هم مجبور باعتراف میشود. اسدی نماینده دشت مغان در مجلس ضمن طرح وضع دشوار دهقانان این منطقه گفت: «من از دولت تقاضا میکنم ترتیبی بدهد که مدت بدهی کشاورزان تا سال بعد تمدید شود بدون اینکه این افراد مشمول مقررات بهره دیر کرد شوند.» (کیهان - ۲ خرداد ۱۳۵۰) هنگام مسافرت فرح به سیستان و بلوچستان فاش شد که دهقانان این منطقه مبلغ ۲۲۰ میلیون تومان بدولت بدهی دارند و با وجود وضع رقت بار دهقانان این منطقه دولت حاضر نشد از طلب خود صرف نظر کند، بلکه با «وسا-طت شهبانو» آنرا طی دهسال باقسط ۲۲ میلیون تومانی قسط بندی نمود. تهران اکو-نومست می نویسد در سال ۱۳۴۹ دهقانان مبلغ ۵۸۵ میلیون ریال به بانک عمران (بانک خصوصی شاه) مقروض بوده اند (تهران اکو-نومست - ۲۴ مهر ۱۳۵۰). حزب دولتی ایران نوین در سال ۱۳۴۸ مبلغ ۷ میلیون ریال بابت حق عضویت از دهقانان دریافت کرده که تازه صدی هفتاد مجموع حق عضویت یکساله دهقانان بوده است و بقیه بعداً وصول شده است (اطلاعات ۲۱ اسفند ۱۳۴۸).

اینست آن وضع تأسف آوری که بر روستای ایران حاکم است. نتیجه سیاست غلط دولت در کشاورزی یعنی عدم حمایت از دهقان و بال و پر دادن به سرمایه داران بزرگ آن شد که دهقانان گروه گرو زمینهای خود را اذ دست دادند یا به کارگر کشاورزی تبدیل شدند و یا آواره شهرها گردیدند. مقامات مسئول دولتی ضمن اعتراف به وضع وخیم کشاورزی هنوز هم در ادامه سیاست گذشته پافشاری میکنند.

### سیاست آینده دولت در کشاورزی:

سیاست سنگ مفت، گنجشک مفت!

سیاست کشاورزی دولت در برنامه پنجم در واقع ادامه سیاست گذشته در مقیاس وسیعتری است. روحانی وزیر کشاورزی از یک واقعیت صحیح نتیجه گیری غلط میکند. او کوچک بودن واحد های دهقانی را علت وضع نابسامان کشاورزی میدانند و از این واقعیت که خود نتیجه سیاست ارضی غلط رژیم است نتیجه میگیرد که دولت باید همه نیروی خود را برای تقویت سرمایه داران و زمینداران بزرگ داخلی و خارجی بکار اندازد. ما هم موافقم که مالکیت کوچک دهقانی بعلم بسیار قادر نیست تکنیک مدرن را بیابد، باز ده کار را بالا برد و تولید کشاورزی را اعتلاء بخشد. بدون مدرنیزه کردن کشاورزی تحول زندگی روستائیان امکان پذیر نیست و بهمین علت معتقدم در شرایط کنونی دولت باید تمام امکانات مادی و معنوی خود را برای گسترش و تقویت شرکتهای تعاونی روستائی که توده دهقان در آنجاست بکار اندازد. آنها را به شرکتهای واقعی تولید، توزیع، فروش و مصرف بدل کند. کمک کند تا شرکتهای

تعاونی دهقانی جان بگیرند و به کشاورزی کشور جان بدهند. ولی دولت سیاستی در جهت عکس این سیاست اتخاذ نموده است. سیاستی که تشدید استثمار دهقانان و تشدید تضادهای روستا را به همراه خواهد داشت. رئیس سیاست دولت در کشاورزی طی برنامه پنجم چنین خلاصه میشود:

### ۱ - تأمین بیش از پیش خدمات زیربنائی

یعنی تأمین آب و راه و برق و سایر خدمات برای سرمایه دارانی که مایل به سرمایه گذاری در کشاورزی باشند. وزیر کشاورزی صریحاً میگوید: «سیاست دولت در زمینه کشاورزی این است که آنچه کار مشکل تحقیقی در این زمینه وجود دارد همچنین تدارک خدمات زیر بنائی را بدون قصد بردن سود خودش در اختیار بگیرد و آنچه مربوط به کار سودبخش و زود ثمر است در اختیار بخش خصوصی بگذارد.» (کیهان ۱۴ اسفند ۱۳۵۰).

### ۲ - واگذاری وامهای سنگین

بسرمایه گذاران - مهندس روحانی وزیر کشاورزی در سخنرانی خود در کلوب روتاری میگوید: شرکت و یا گروهی که مایل به این امر باشد (منظور از سرمایه گذاری در کشاورزی است) کافی است ۴۰ درصد سرمایه را مهیا کند و ۶۰ درصد بقیه را دولت بصورت وام طویل المدت و با بهره نازل در اختیار سرمایه گذار خواهد گذاشت. (اطلاعات ۱۷ مرداد ۱۹۵۱) هم اکنون هیئت هایی از طرف صندوق توسعه کشاورزی به شهرستانهای مختلف روانه شده اند تا با واگذاری وامهای کلان سرمایه گذاران را به سرمایه گذاری تشویق کنند. قسط در استان مرکزی مبلغ ۲۱۰ میلیون ریال مردم اختصاص به ۱۴ طرح داده شده است یعنی بهر طرح ۱۵ میلیون ریال. (تهران اکنونومست ۶ آبان ۱۳۵۰)

### ۳ - معافیت های مالیاتی و گمرکی

سرمایه داران و زمینداران بزرگ. وزیر کشاورزی چندی پیش اعلام نمود که دولت آماده است شرکتهای فعال در بخش کشاورزی را تا ده سال از تاریخ شروع بهره برداری از مالیات معاف کند و اخیراً تغییراتی که در قانون مالیاتها وارد شد، این منظور را کاملاً تأمین نمود. بموجب قانون جدید «درآمد حاصل از فعالیتهای کشاورزی در صورت استفاده از بنر اصلاح شده و کود شیمیائی و وسائل مکانیزه برای کشت و برداشت ... تا سال ۱۳۶۰ از پرداخت مالیات معاف است، روشن است که این امتیاز بزرگ متعلق به چه کسانی است. دهقانان چند همکارانی که نه بنر اصلاح شده دارند و نه وسائل مکانیزه. بلکه این زمینداران بزرگ و سرمایه داران کلان هستند که تا دهسال از پرداخت مالیات معاف شده اند. شاپورها، تراقیها، عضدها، ریاحیها، شرلشگر صنیعیها و سیه پورها علاوه بر همه امتیازاتی که دارند از پرداخت مالیات هم معاف شده اند.

تهران اکنونومست مدافع بورژوازی ایران با اظهار رضایت از این سیاست دولت

آنرا بحق سیاست «سنگ مفت، گنجشک مفت» نامیده است.

دولت نه تنها با واگذاری وامهای سنگین، زمین را بگان، تأمین آب و برق معافیتهای مالیاتی و گمرکی به سرمایه داران و زمینداران و انحصارهای امپریالیستی امتیاز میدهد بلکه اخیراً تصمیم گرفته است طاب دهسال پیش مالکان نیمه فئودال سابق را از دهقانان خود یکجا بپردازد و سپس به اقساط از دهقانان دریافت دارد. این واقعیت از یکسو نشان میدهد که فقر دهقانان چنان شدید است که علیرغم فشار مالک و زاندارم حتی وامهای دوران قبل از اصلاحات ارضی خود را نتوانسته اند بپردازند و ثانیاً دولت بدی مدافع منافع غارتگران طبقاتیهای روستا است که میلیونها ریال اعتبار در مجلس به تصویب میرساند تا مبادا یکشاهی از منافع اقشار و طبقاتی که سالها شیره جان دهقانان را مکیده اند سوخت شود و نام این حاتم بخشی به مالکان رابدروغ کمک به دهقانان نهاده است.

### ۴ - ایجاد مزارع دولتی و واگذاری

آنها به بخش خصوصی. وزیر کشاورزی چندی پیش اعلام نمود که: «در نظر داریم که در ده نقطه کشور مزارع دولتی ایجاد کنیم تا در صدها هزار هکتار اراضی زراعت شود. حتی در نظر داریم با سرمایه گذاری بخش خصوصی قسمتی از اراضی دولتی را اداره کنیم و وقتی که بخش خصوصی مسلط شد و توانست کار را بنحو مطلوب اداره کند دولت بتدریج خودش را کنار خواهد کشید و ضمن آنکه امکان فعالیت را زیاده تر میکند گوشه ای از کار را در دست خواهد داشت.» (کیهان - ۲۳ بهمن ۱۳۵۰). این همان سیاستی است که دولت در مورد صنایع کشور هم بدان عمل نموده و مایوسه با آن تشدید مخالفت کرده ایم: یعنی واگذاری واحدهای صنعتی پس از سودآور شدن به سرمایه داران داخلی. اجرای این سیاست در کشاورزی بار سنگین تری از هزینه را بر دوش مردم میگذارد. دولت برای صدها هزار هکتار زمین سد میسازد، کانال کشی میکند، راه میسازد، برق تأمین میکند، نیروی کار صدها هزار دهقان از زمین رانده شده یعنی کارگران کشاورزی را برای آباد کردن زمینها بخدمت میگیرد، صنایع لازم را بوجود میآورد و وقتی همه کارها رو برآورد شد و زمینها سودآور شدند، دولت خود را کنار میکشد و دست سرمایه داران بزرگ را باز میگذارد تا روستا را غارت کنند.

در سیاست اعلام شده دولت دهقانان هیچ محلی از اعراب ندارند و چیزی که اصلاً مورد توجه دولت نیست زندگی این قشر محروم و زحمتکش و استثمارزده است. وزیر کشاورزی باین بهانه که: «زارعین کشور به زراعت سنتی عادت کرده اند» اولویت را بقول خود به واحد های کشت و صنعت و شرکتهای زراعی میدهد یعنی به انحصارهای امپریالیستی و سرمایه داران و زمینداران بزرگ داخلی. ولی معلوم نیست چرا میشود دهسال دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۱

## یادی از جنبش ۲۱ آذر

از جهت سازمان و قوانین و مقررات تحولات بسیاری بسود مردم ایجاد کرد. مبارزه در راه دموکراسی و علیه امپریالیسم و ارتجاع، تأمین حق تعیین سرنوشت مردم آذربایجان در عین حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، تابع ساختن جنبش دموکراتیک آذربایجان بمنافع انقلاب ایران و تبدیل آذربایجان به تکیه گاه برای جنبش سراسر ایران - چنین بود وظائف عمده‌ای که حکومت دموکراتیک آذربایجان در برابر خود قرار داده بود.

دولت مرکزی در نتیجه پیروزی جنبش ۲۱ آذر و بسط مبارزات انقلابی در سراسر ایران که در زیر رهبری حزب توده ایران انجام میگرفت مجبور به عقب نشینی شد و با اجراء مذاکرات مسالمت آمیز موافقت کرد. مذاکرات در خرداد ماه و شهریور ۱۳۲۵ انجام گرفت. موافقتنامه رسمی در ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ بین دولت مرکزی و حکومت ملی آذربایجان امضاء گردید.

دولت مرکزی در تصویبنامه دولت مورخ ۳ اردیبهشت ۱۳۲۵ و نیز موافقتنامه مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ خود خصلت دموکراتیک جنبش ۲۱ آذر را تأیید کرد و آنرا برسمیت شناخت و اشاعه اصول دموکراسی را در سراسر ایران متعهد گردید. حکومت ملی آذربایجان نیز موافقت کرد که مجلس ملی در سطح انجمن ایالتی و حکومت ملی در سطح استانداری قرار گیرد. حکومت ملی آذر - بایجان اقدامات لازم را بعمل آورد تا ارتش خلقی تحت اختیار وزارت جنگ قرار گیرد و سازمان فدائیی تابع اداره نگهبانی (ژاندارمری) شود و خلق آذربایجان در برابر نیروهای مسلحی که تحت عنوان «نظارت بر جریان انتخابات دوره بازردهم مجلس» از طرف دولت مرکزی به آذربایجان اعزام گردید مقاومتی نکرد.

طبق موافقتنامه رسمی، دولت مرکزی میبایست تعهدات خود را اجرا کند و از آن جمله ۷۵ درصد در آمد آذربایجان را بوی اختصاص دهد و زبان آذربایجانی را همراه زبان فارسی در آذربایجان برسمیت بشناسد و فعالیت قانونی فرقه دموکرات آذربایجان را تأمین نماید و اصلاحات دموکراتیک آذربایجان را در ایران تعمیم دهد. ولی دولت مرکزی این تعهدات را غدارانه زیر پا گذاشت و بوسیله نیروهای مسلحی که بنام نظارت بر انتخابات به آذربایجان گسیل داشت جنبش خلق را با آتش و آهن مخنتق ساخت. فرقه دموکرات آذربایجان برای میدان ندادن به توطئه امپریالیستها در مورد تجزیه ایران و بخاطر حفظ صلح و با محاسبه شرایط آزروری ایران و جهان مقاومت مسلحانه را مصلحت نشمرد.

حزب توده ایران از همان آغاز نهضت دموکراتیک آذربایجان نزدیکترین همکاری رزمی و انقلابی را با وی برقرار ساخت. خود این نهضت بنوبه خود برای جلوگیری از هجوم ارتجاع و بسط فعالیت حزب توده ایران و بالا رفتن قدرت و نفوذ آن شرایط مساعد ایجاد کرد.

دنباله از صفحه ۳

## وضع وخیم کشاورزی

با کسسه پر پول بدنبال سرمایه داران راه افتاد و میلیونها ریال به پای آنها ریخت تا لطف کرده در کشاورزی سرمایه گذاری کنند، اما نمیشود با همین دست و دلبازی بسراغ دهقان محروم زحمتکش رفت، شرکتهای تعاونی او را تقویت نمود، اعتبار این شرکتهای را نزد دهقانان بالا برد و عملاً فوائد کشت و کار جمعی را نشان داد؟

## راه خروج از بن بست - در راه اتخاذ

## سیاست ارضی دموکراتیک و دهقانی

دهسال گذشته صحت پیشنهادهای حزب ما و ورشکست سیاست دولت را در کشاورزی آشکارا نشان داده است. اکنون نیز بار دیگر صریحاً اعلام میکنیم که سیاست دولت در کشاورزی راه حل معضل کشاورزی نیست، بلکه راه بغرنجتر کردن آنست. مصلحت کشاورزی را در راه توده‌های دهقان نمیتوان حل کرد، بلکه باید با محاسبه این نیروی عظیم و شرکت فعال این توده زحمتکش راه حل آنرا یافت. بدین جهت است که معتقدیم برای رفع بن بست کشاورزی باید اقدامات زیرین عملی گردد:

- تمام اراضی که بنحوی در دست مالکان بزرگ باقی مانده، باید بی درنگ بین دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم شود؛  
- اراضی زیر سدها که در دست انحصارات امریکائی، انگلیسی، فرانسوی، ژاپنی و شرکاء ایرانی آنهاست به دهقانان واگذار گردد؛  
- شبکه شرکتهای تعاونی روستائی تا دور افتاده ترین دهات گسترش یابد؛  
- سیستم اعتباراتی دولت بسود دهقانان تغییر کند و تمام امکانات مادی، علمی و فنی دولت برای تقویت شرکتهای تعاونی روستائی و تبدیل آنها به شرکتهای واقعی تولید، توزیع، فروش و مصرف بکار افتد؛

- شرایط لازم برای عضویت داوطلبانه همه دهقانان در شرکتهای تعاونی روستائی فراهم شود؛

- دهقانان کم زمین در شرکتهای تعاونی حق عضویت کمتری بپردازند و با شرایط سهلتری وام دریافت دارند؛

- دولت از طریق شرکتهای تعاونی وام با بهره نازل، آب، بنر، کود شیمیائی و ماشین آلات کشاورزی برای دهقانان تأمین کند؛

- اقساط بدهی دهقانان بابت قسط زمین ملغی گردد؛

- وامهای دهقانان چه مربوط به سالهای قبل از اجرای اصلاحات ارضی و چه پس از

دفاع شجاعانه از جنبش ۲۱ آذر از طرف نمایندگان حزب توده ایران در مجلس چهاردهم پشتیبانی دیگری سازمانهای توده ای و از آنجمله شورای متحد از این جنبش، دفاع سرسخت حزب و افراد حزب توده ایران از این جنبش پس از سرکوب خونین آن، همه نشانه برخورد و روش اصولی حزب در این زمینه است.

دنباله از صفحه ۱

## اطهاریه هیئت اجراییه

ظفر نمون سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز بسود جبهه عظیم صلح و سوسیالیسم انجام یافته و تأثیر مشخص این تغییرات در پیشبرد خواستهای ترقیخواهانه و صلح جویانه مردم ایران، چیز دیگری نمیتواند باشد.

حزب توده ایران استقرار روابط عادی میان دولت ایران و جمهوری دموکراتیک آلمان را گام مهم دیگری در جهت تحکیم و توسعه مناسبات با کشورهای سوسیالیستی بسود منافع واقعی مردم ایران می شمارد و بسط هر چه بیشتر همکاریهای اقتصادی، فرهنگی، هنری و سیاسی را با این کشور نیرومند صنعتی و استفاده از امکانات شگرفی که در اختیار دارد، بمنزله یکی از وسایل نیرومند رشد سالم اقتصاد کشور ما و تحکیم پایه های استقلال اقتصادی و سیاسی ایران تلقی میکند.

شایان ذکر است که دولت ایران با اینکه شاهد ورشکست سیاست جنگ سرد است و بهمین جهت ناگزیر به عقب نشینی تن در میدهد ولی با اینهمه هنوز از مقاومت در قبول واقعیات دست برنمی دارد. نمونه چنین مقاومت غنودانه ای را میتوان در این واقعیت دید که دولت هنوز هم از برسمیت شناختن جمهوری دموکراتیک ویتنام، جمهوری دموکراتیک توده ای کوره، جمهوری کوبا و جمهوری بنگاله دش امتناع میورزد. ولی ما تردید نداریم که این مقاومت بیفایده است و سیر حوادث بین المللی، که در جهت پیروزی روز افزون سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز است، دولت ایران را سرانجام مجبور خواهد کرد که این دولت ها را نیز برسمیت بشناسد.

حزب توده ایران وظیفه خود را در مبارزه برای تحقق این شعارهای میهن پرستانه همچنان ادامه خواهد داد.

هیئت اجراییه حزب توده ایران  
۱۶ آذر ۱۳۵۱ (۷ دسامبر ۱۹۷۲)

آن، چه به مالکان سابق، سلف خزان و ربا - خواران و چه به شرکتهای تعاونی روستائی و دولت الغاء گردد؛

- دهقانانی که به علت عدم پرداخت اقساط زمین و یا باز پرداخت وامهای خود زندانی هستند فوراً آزاد شده بسر زمینهای خود باز گردند؛

- دولت برای بسط اراضی زیر کشت و بهبود سیستم آبیاری اقدامات لازم را معمول دارد؛

- صنایع روستائی بسط یابد و شرایط اشتغال دهقانان فراهم شود.

ما از همه نیروهای ترقیخواه کشور دعوت میکنیم که در راه اجرای شعارهای فوق مبارزه کنند و دهقانان را برای تحقق این شعارها تجهیز نمایند. تنها از طریق یک مبارزه وسیع مطالباتی در زیر شعارهایی که از درون نیازمندیهای واقعی دهقانان برخاسته است و مقتضیات رشد آتی کشاورزی تحقق آنها را ایجاد میکند میتوان در مقابل سیاست

دنباله از صفحه ۱

## بمناسبت پنجاهمین سالروز تشکیل

## اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

میدارد برای پیشرفت ایران اهمیت قاطع دارد. مردم ایران همواره نسبت به اتحاد شوروی - دوست کبیر خود - عشق و احترام عمیق داشته و دارند و زادگاه لنین را وفادارترین و مطمئنترین متحد خود در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه تحکیم استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی می شمارند.

رفقای عزیز! در این جشن فرخنده مردم شوروی و زحمتکشان سراسر جهان برای شما و توسط شما برای تمام خانواده با عظمت خلقهای شوروی کامیابهای هر چه بیشتری را در ساختمان کمونیسم، در مبارزه بخاطر تحقق آرمانهای عالی اکثیر بزرگ، در مبارزه برای تأمین وحدت تمام نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی، در راه پیروزی صلح و سوسیالیسم در سراسر جهان آرزو مندیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دبیر اول - ایرج اسکندری

## رادیو پیک ایران را

## بشنوید!

رادیو پیک ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر بزرگهای کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

با این آدرس با رادیو پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید!

P. B. 49034

10028 Stockholm 49

Sweden

شماره حساب بانکی پیک ایران،

ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر است:

Sweden

Stockholm

Stockholms Sparbank

N: 0 400 126 50

Dr. John Takman

## قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.

ضد دهقانی هیئت حا که مقاومت مؤثری کرد و آنرا در اینجا و آنجا به عقب نشینی واداشت. مینو